

چکیده

زمینه و هدف: جایگاه نرمال لثه ۱-۳ میلی متر کرونالی تر از محل اتصال CEJ دندان است. تحلیل لثه به معنی حرکت اپیکالی لثه از موقعیت نرمال روی تاج دندان به سطوح پایین تر نسبت به CEJ می باشد. تحلیل لثه در اثر عوامل متعدد اتیولوژیک و مستعد کننده رخ میدهد. روش های متفاوتی جهت درمان تحلیل لثه وجود دارند. هدف از این مطالعه مقایسه میزان پوشانندگی ریشه توسط دو تکنیک پیوند لثه آزاد و تکنیک بافت همبند لانگر در بیماران با تحلیل میلر کلاس I در دندان های قدامی مندیبل است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مورد شاهدهی گذشته نگر است که بر روی بیماران مراجعه کننده به مطب خصوصی در سال ۱۳۹۹ در استان ایلام، که دارای نواحی تحلیل لثه ای کلاس I میلر در دندان های قدام مندیبل با میزان لثه چسبنده ۱-۲ میلیمتر باشند، انجام شد. ۱۰ مورد از بیماران از طریق استفاده از پیوند لثه آزاد (گروه I) و ۱۰ مورد دیگر با استفاده از پیوند بافت همبند لانگر (گروه II) درمان شدند.

بدین صورت که در گروه I بافت پیوند آزاد لثه از کام بیماران به روش کلاسیک و در گروه II بافت همبند پیوندی از کام بیماران به روش trape door برداشته شد.

نتایج: نتایج حاصل از این مطالعه بیان می دارند که FGG و SECTG روش های موثری در خصوص پوشش ریشه می باشد. درمقایسه میزان عریان بودن ریشه آناتومیک بین دو گروه، این معیار در گروه SECTG کاهش بیشتری داشت، اما از نظر اماری معنا دار نبود. ($p=0/03$) همچنین کاهش طول تاج کلینیکی در گروه SECTG بیشتر از گروه FGG بود ($p=0/35$) ولی این تفاوت معنادار نبود. درمقایسه عرض تحلیل بین دو گروه کاهش عرض تحلیل در گروه SECTG بیشتر بود ($p=0/034$) ولی این اختلاف معنادار نبود. همچنین افزایش میزان لثه چسبنده در گروه SECTG بیشتر از گروه FGG بود ولی این تفاوت معنادار نبود ($p=0/03$).

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که دو روش SECTG و FGG، دو روش مؤثر در خصوص پوشش ریشه و درمان تحلیل لثه می باشند. با توجه به اینکه در این مطالعه روش برداشت بافت همبند در تکنیک لانگر نسبت به بافت آزاد لثه در تکنیک FGG، کمتر تهاجمی می باشد، استفاده از تکنیک کمتر تهاجمی لانگر توصیه می شود.